



۲۰۲۱/۱۰/۰۱



ولی احمد نوری

سید جمال الدین افغان

بخش نهم



« یرنست رونان » (Ernest Renan) نویسنده، فیلسوف و مؤرخ بزرگ فرانسوی در سالهای ۱۸۸۵م (معاصر سید جمال الدین افغان) در وصف او نوشته است: « زمانی که با سید جمال الدین افغان هم صحبت می شدم، حریت افکار و طبیعت نجیب و درست او، مرا به این اعتقاد و امیداشت که من در برابر خود یکی از آشنایان قدیم خویشتم را دارم. مثلاً با حضور سید جمال الدین افغان و سخنانش تصور می کردم «ابن سینا» یا «ابن رشد» یا یکی از آن آزاد مردان دنیا را می بینم که روح انسانیت بوده اند.

یرنست رونان

تبصره های سیاسی سید جمال الدین افغان در مطبوعات فرانسه

تخلیص، تصحیح و دوباره نویسی از ولی احمد نوری

«سید جمال الدین افغان» از سال ۱۸۸۳ تا ۱۸۸۵م در شهر پاریس پایتخت فرانسه اقامت داشت. در این مدت لسان فرانسوی را آموخته و قبل از اینکه به تأسیس جریده مستقلی به نام (عروة الوثقی) که از اوایل سال ۱۸۸۴م به السنه عربی و فرانسوی از طرف خود او به همکاری شاگرد نامدارش شیخ محمد عبده شروع به نشرات کرد، مؤفق گردد، جسته جسته نظریات خود را در باره مسایل روز مخصوصاً جریانات سیاسی کشورهای شرقی و اسلامی به صورت مقالات، تبصره های سیاسی و مکاتیب در مطبوعات فرانسه به نشر می سپرد که از طرف اکثر جراید مذکور با ایزاد مقدمه در باره معرفی سید جمال الدین افغان، شخصیت و مقام علمی او و اشاره و وسعت معلومات و ارزش نظریاتش در امور مربوط به ممالک شرق و اسلام منتشر می گردید.

جرایدی که سید جمال الدین افغان برای نشر مقالات خود انتخاب می کرد عموماً جراید معتبر و دارای وجهه ملی می بودند، از قبیل:

■ «ژورنل دی دبیه» (Journal des débats) که ناشر نظریات علمی و فلسفی بود؛

■ جریده «ژیوستیس» (Justice) که نگارندگی آنرا «ژورژ کلیمانسو» (Georges Clemenceau) صدراعظم دوران جنگ اول جهانی به عهده داشت؛

■ «انترانسیزان» (Intransijent) اورگان حزب سوسیالیست فرانسه به نگارندگی نویسنده و مرد بزرگ و معروف سیاسی «هانری دو روشفورد» (Henry Rochford)؛

■ «کورسپاندانس پریزینین» (Correspondance Parisienne) اورگان حزب جمهوری خواه مستقل

■ «له رو ویوو فرانسیز» (La Revue Française) و امثال آنها و ازین رو ساحة نشر و اندازه تأثیر مندرجات آنها نیز نه تنها در محیط فرانسه بلکه در دیگر کشورهای اروپایی و شرقی زیاد بوده است.

نا گفته نماند که در این موقع اختلافات شدیدی بین فرانسه و انگلستان بر سر تقسیم سرزمین های وسیع افریقای شمالی مخصوصاً مصر و سودان به وجود آمده بود و روابط این دو کشور را در ربع قرن نژده به شدت متأثر ساخته بود و سید جمال الدین افغان که این حقیقت را به خوبی درک کرده بود در نوشته های خود این رقابت را مطابق مرام خود مورد استفاده قرار می داد چنانچه در این مقاله و سائر مضامین او به وضوح مشاهده می شود.

اما نکته دلچسپ از نقطه نظر ما این است که در تمام این مقالات و تبصره های سیاسی کارکنان جراید عموماً سید جمال الدین افغان معرفی کرده اند و خود سید افغان هم به طوری که خوانندگان ملاحظه خواهند نمود موضوع مورد بحث هرچه بوده به سائقه علاقه مندی قلبی و دلچسپی خاص خود به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در هر مضمون روی سخن را به طرف وطن خود گشتانده ولو به صورت ضمنی نامی از افغانستان برده است که اینک چند نمونه ای از این تبصره های سیاسی او را از روی شماره های قدیم مطبوعات فرانسه اقتباس می کنیم. مضمونی که برای این شماره انتخاب شده است ظاهراً در هند و در حقیقت راجع به افغانستان می باشد که در شماره ۲۴ اپریل ۱۸۸۳م جریده «انترانسیزان» انتشار یافته است.

نامه ای در باره هندوستان

در ماه اگست سال گذشته نشریه ما اولین جریده بود که شیخ جمال الدین افغان به وسیله همکار خود (ای. و. کلن) توسط اثرش به نام (خاطرات انقلاب مصر) به مردم فرانسه معرفی نمود.

همکار ما در باره او چنین گفته بود: « او یک شب در "مسجد حسین" در قاهره در محضر چهار هزار نفر طی نطقی مؤثر مقصد نهایی سیاست برتانیه را در کناره های رود نیل پیشگویی آگاهانه کرد که سه سال بعد واقعیت آن به اثبات رسید. او در همین سخنرانی خود «توفیق خدیو» (۱) را خدمتگار دانسته یا ندانسته و تحت فشار جاه طلبی های انگلیس وانمود کرده و سخنان خود را با ندای جهاد با خارجی ها و دعوت به انقلاب برای نجات استقلال مصر و قیام آزادی خاتمه داده بود. دو روز بعد بنا بر تقاضای جنرال قنسل برتانیه آن خطیب "مسجد حسین" توقیف و به یک کشتی رونده جده در ساحل عربستان انتقال داده شد.

سید جمال الدین افغان به داخل ولایت حجاز رفت و از آن پس سخنی در باره او شنیده نشد.

اما یقین است که اگر سید جمال الدین افغان در کدام میدان جنگ در آسیا به حیث سپاهی داوطلب کشته نشده باشد و یا اگر مسموم نگردیده باشد به زودی بار دیگر ظهور خواهد کرد و انگلستان که بر ضد او سوگند انتقام یاد کرده است او را از ضرباتی که وارد خواهد نمود، خواهد شناخت، اما در کجا؟ شاید در کناره های رود سند. . .

اینست که چند هفته پیش ورود سید جمال الدین افغان را به پاریس اعلام نمودیم. سید افغان به ما وعده کرده است که در بارهٔ اوضاع هندوستان که در آنجا چندین سال زندگی نموده و درین اواخر نیز مدتی در اطراف و اکناف آن گذشت و گذار کرده است یادداشت‌ها و معلوماتی به ما اعطاء نماید که یقین داریم طرف دلچسپی همه خوانندگان قرار خواهد گرفت.

اینک مکتوب اول این نامه نگار فوق العادهٔ ما را مطالعه کنید:

مقصد عمدهٔ انگلیس‌ها در این سال‌های اخیر حاکمیت بر تمام راه‌هایی است که به هندوستان منتهی می‌شود. از همین سبب است که قبلاً با اشغال معابر سوق الجیشی افغانستان و بلوچستان اقدام نموده‌اند و برای همین مقصد است که حال سعی دارند خود را در مصر مستقر سازند. توجه سیاست برتانیه در شرق در تشویش شدیدی مضمحل است که کشور مذکور از ناحیهٔ حفظ سلطهٔ خود بر هندوستان و ترسی که از ناحیهٔ از دست دادن این مستملکهٔ با شکوه خود در آیندهٔ قریبی احساس می‌نماید. همین نگرانی است که انگلیس‌ها را بیش از هر چیز دیگر به راهی می‌کشاند که دایم با دیگر ملت‌ها تصادم می‌نمایند، و آنها را به اتخاذ موقف‌هایی وادار می‌گرداند تا از غافلگیر شدن در امان باشند و بدگمانی‌هایی حق بجانبی را در خاطر رجال دولتی غیر انگلیس بیدار می‌سازند.

در حقیقت انگلیس‌ها می‌دانند که تمام باشندگان هند بدون امتیاز نژاد طبقه‌ای یا بودایی، از شهزادگان گرفته تا حمالان همه به یک اندازه نفرت جابرین بیگانه را به دل می‌پروراندند و این جابرین متیقن‌اند که فقط صدای یک گلولهٔ توپ یا تفنگ در هر یکی از نقاط سرحدی هندوستان کافی است تا یک قیام عمومی را از سیلون تا دامنه‌های همالایا رویکار آورده و بلافاصله هندی‌ها را مصمم گرداند تا با هر ملتی که بر انگلیس‌ها در هند هجوم آورند همدست شوند.

انگلیس‌ها خوب می‌دانند که تا چه حد سلطهٔ شان در هند صدمه‌پذیر است. همچنین آنها به خوبی از موقف مخالفانهٔ رعایای هندی خود و ضعف عددی قوای عسکری خویش در هند و دیگر نقاط آگاهند و از همین جهت است که می‌خواهند هندوستان را به وسیلهٔ احاطه کردن آن با یک نوع دیوار معنایاً از دنیا تجرید نمایند و برای اینکار از رفت و آمد مسافرین از هر ملتی که باشند جلوگیری کرده و می‌ترسند که مبادا این خارجی‌ها ضعف انگلیس‌ها را که در زیر یک روپوش قدرت مخفی نگهداشته شده است کشف و به دنیا فاش سازند. اما حکمرانان هند که نگرانی دایمی آنها حفظ سلطهٔ لرزان شان بر آن کشور است، هیچگاه به جستجوی وسایلی که می‌تواند آنها را به تحکیم موقعیت شان رهبری نماید، نبرآمده‌اند.

آنها به جای اینکه علاقمندی مردم را جلب نمایند همیشه آنها را با انواع مختلف در راه منافع خود آزرده خاطر و جریحه دار ساخته‌اند.

انگلیس‌ها از مدت یک صد سال است که بر هند حکمروایی می‌کنند و از همان بدو حاکمیت شان هندی‌ها مثلیکه از جامعهٔ بشری طرد شده باشند، نه امیدوار شده می‌توانند تا کدام رتبهٔ نظامی را احراز نمایند و نه به کدام مقام سیاسی برسند حتی از مقدس‌ترین آزادی‌هایی که آزادی فکر باشد نیز محروم‌اند.

انگلیس‌ها به عوض تخفیف دادن بار سنگین مالیات بر هندی‌ها تا آن بیچاره‌ها قادر شوند پس از تادیبهٔ آنچه به خزانهٔ سرکار تحویل می‌کنند، از حاصل ناچیز خود احتیاجات ضروری روزمرهٔ خویش را تدارک نمایند، بالعکس با توريد

مقادیر زیاد مصنوعات اروپایی به هند تجارت و صنایع بومی را به کلی محو و نابود کرده اند و به این صورت روابط هند را با افغانستان نیز که همسایه در بدیوار آنست (۲) با اعلان جنگ ناحق و خدعه آمیزی علیه افغان ها قطع نموده اند، جنگی که آنهم به شکست و ناکامی عام و تام خود آنها منجر شده است.

نتیجه این جنگ بیخردانه آن است که اکنون افغان ها دشمن آشتی ناپذیر انگلیس ها گردیده و به روس ها دست اتحاد دراز کرده اند تا در موقع فرصت با آنها یکجا داخل عمل گردند.

انگلیس ها چون در افغانستان کامیاب نشدند و از طرف دیگر با نگاه حسودانه اشغال تونس را از طرف فرانسه مشاهده کردند و هم احساس نمودند که نفرت هندی ها به جایی رسیده است که حاضرند بی محابا خود را در آغوش اولین قدرتی که بخواهد انگلستان را در قلب متصرفات آسیایی اش مورد حمله قرار دهد پرتاب نمایند. یقیناً با از دست دادن قوه بینایی خود که قادر نیستند خطراتی را که ناتوانی آنها را تهدید می کند، مشاهده نمایند. اکنون اشتباه دیگری را مرتکب شده اند که نتایج دوگانه آن برای آنها در آینده تباهی آور خواهد بود.

این اشتباه عبارت از مداخلات تازه آنها در خاک فراعنه است از طریق حيله و فریبکاری که یگانه اسلحه و حشتناک انگلستان می باشد و مقصد نهایی آنها حاکمیت در سواحل دیگر بحیره سرخ بر ولایت حجاز و یمن است که در آنجا عدن را از پیش، در دست دارند. اولین نتیجه مداخله انگلیس ها در مصر متأثر گردانیدن چندین ملت اروپایی و مخصوصاً فرانسه است که به طور انکار ناپذیر منافع قابل ملاحظه را در وادی نیل دارا می باشد.

با وجود این، انگلیس ها هر قدر که به قدرت خود مغرور باشند باز هم نبایستی این حقیقت را فراموش کنند که دوستی ملت فرانسه از نقطه نظر پیش بینی وقایعی که در آینده قریب در شرق رخ دادنی خواهد بود، برای آنها لازمی می باشد. در حالیکه فرانسه به بسیار آسانی می تواند از دوستی برتانیه صرف نظر نماید، از دست دادن علایق و همدردی فرانسه یقیناً یکی از بزرگترین اشتباهات آن زمامدار کوتاه نظری است که (گلدستن)(۳) نام دارد.

نتیجه دوم مداخله در مصر که آنهم برای انگلستان مصیبت بار می باشد احساسات قهر و غضبی است که این اقدام تشدد آمیز در تمام عالم اسلام و مخصوصاً مسلمانان هند به وجود آورده است.

عقیده و احترام مسلمانان هند به سلطان فعلی و به طور عموم به هر (خلیفه زمان) هر کس که باشد یک حس مشترک آنها و تمام مسلمانان است. این عقیده و احترام در حقیقت جزئی از شعایر دین اسلام به شمار می رود و در تمام مساجد هر روز جمعه در موقع نماز مسلمانان برای بقای سلطان یا (خلیفه) به حضور پروردگار دعا می نمایند.(۴)

یقین است انگلیس ها فراموش نکرده اند که موقعی که آنها در مصر داخل شدند، اغتشاشی در (میرت) آغاز شد. این جنبش می توانست به زودی به تمام مناطق مسلمان نشین توسعه یابد مگر انگلیس ها با مهارت اذهان مسلمانان را با شایع کردن اعلامیه هایی مبنی بر اینکه آنها صرف به امثال اوامر سلطان در مصر علیه اعرابی پاچا (۵) به حیث یک باغی داخل محاربه شده اند، آرام ساختند.

درست است که این کمیدی کامیابانه بازی شد، هرگاه بخواهند آنرا تکرار کنند کامیابی آن بعید خواهد بود، خصوصاً اگر مردم چشم های خود را باز کرده یقین حاصل کنند که انگلیس ها می خواهند مصر را که مهمترین قسمت امپراتوری عثمانی در افریقا می باشد ضمیمه مستملکات خود سازند و سپس حجاز و یمن را از دست مسلمانان خارج نموده تحت سلطه برتانیه قرار دهند. در این صورت از همدردی همکیشان خود در هند و از پشتیبانی سیاست آن

قدرت بزرگی که نظر جاه طلبانه آن همواره متوجه هندوستان بوده است خود داری نخواهد کرد (مقصد از امپراتوری روسیه است. مترجم) ولو که از این سیاست به جز ناکام ساختن ملتی که برای تجزیه امپراتوری آنها کار می کند دیگر فائده ای برای خود آنها متصور هم نباشد. حلقه های حکومتی برتانیه به خوبی می دانند که اگر صبر و حوصله سلطان به مرحله نهایی برسد او برای حریفان انگلیس در هند حلیف قسمتداری شده خواهد توانست و برای این کار کافی است که در مکه معظمه تبلیغات را آغاز و منشوری را به دست کدام عالم دینی بدهند، فرستاده و او را مجاز گرداند تا به نام سلطان در زمینه به و عطف و تبلیغ بپردازد. (۶)

اما اگر این اشکال و امکانات مختلف دیپلوماسی استانیول را کنار بگذاریم باز هم اصل واقعیت اشغال مصر که راه مکه به شمار می رود و آرزوی خفیه اما یقینی برتانیه برای توسعه دادن سلطه شان بر کشورهای حجاز و یمن که هم مهد و هم حصار دفاعی اسلامیت می باشند، به ذات خود کافی است تا مسلمانان هندوستان از همین حالا از هر قوه ای که برای استیلای هند برتانوی اقدام نماید جانبداری کنند.

باید انگلیس ها این تخیل را از دماغ خود بیرون کنند که می توانند هموطنان غیر مسلمان را علیه مسلمانان برانگیزند. این اشتباه بزرگ است، زیرا هندوها که از سالیان درازی زیر همان یوغ سنگین، انواع تحقیر ها را تحمل نموده اند و به عین صورت مورد حرص و آز سیری ناپذیر فاتحین قرار گرفته اند روزی که موقع انتقام فرا رسد همان طوری که در نفرت از انگلیس ها با مسلمانان اشتراک داشته اند در عمل نیز با آنها اشتراک خواهند کرد.

در باره آنچه گفته شد آنقدر مثال ها و ثبوت های فراوان موجود است که اگر یکی از آنها در گذشته نزدیک انتخاب نمایم برای تأیید گفتار ما کفایت خواهد کرد. آیا در شورش بزرگ ۱۸۵۷م (۷) تاتا صاحب (زعیم سکها) با اینکه مسلمان نبود برای (فیروز شاه) و بیگم سایه به دشمنی با انگلیس ها قیام نکرد این تساند و اتحاد که من موجودیت آنها تأیید می کنم، شاید در نظر کسانی که اطلاع ندارند انگلیس ها برای حکومت و اداره و استثمار هندوستان چه وسایلی را به کار می برند مورد شک واقع شود.

برای جواب دادن به این سؤال در مقاله آینده حقایق و تفصیلاتی را ارائه خواهم کرد که امیدوارم از حیث ثقه گی و دقیق بودن هیچ شک و شبهه را در ذهن هیچکس باقی نخواهد گذاشت. سید جمال الدین افغان

پایان بخش نهم

ادامه دارد

تبصره ها از ولی احمد نوری

(۱) «توفیق خدیو» پادشاه مصر فرزند «اسمعیل خدیو» فرمانروای مصر است.

(۲) از روی جمله (. . . روابط هند را با افغانستان نیز که همسایه در بدیوار آنست. . .) معلوم میشود که در آن تاریخ پاکستانی وجود نداشته است. پاکستان در سال ۱۹۴۷ بعد از آزادی هندوستان و تقسیم آن به دو کشور هندو و مسلمان بدوینیا آمده است.

(۳) نام این مرد بزرگ سیاسی انگلستان در اواخر قرن ۱۹ (ویلیام إدوارد گلد ستون) میباشد که در انگلیسی چنین نوشته میشود. (William Ewart Gladstone) که در دهه هشتاد قرن نوزده صدر اعظم کشور برتانیه بوده است.

(۴) در اینجا می بینیم که در آنزمانه ها در اکثر کشور های اسلامی با وجود اشغال و استعمار شان از طرف قدرت های اروپایی، مردم بیچاره بنام سلاطین و فرمانرواهایی که در خدمت بیگانه ها و اشغالگران بوده اند، خطبه خوانده و برای صحت و بقای آنها دعا می کردند که به فکر من کار درستی نبوده است. به نظر اینجانب خواندن خطبه در مساجد و در نماز جمعه بنام بنام سلطان یا خلیفه صرف در وقت حضرت پیغمبر اسلام و خلفای چهارگانه اش که آرنده و پایه گذاران دین اسلام بوده اند جواز دارد و بس. چگونه امامان مساجد را مجبور ساخت که در نماز جمعه که مهمترین عبادت هفته میباشد، بنام سلطان یا خلیفه ای که در خدمت اجنبی باشند و بر مردم خدا ظلم و تعدی روا دارند امام خطبه بخواند و مردم مظلوم و ستمدیده برای بقا و صحت ظالم و ستمگر دعا کند. آیا قابل است که مردم مسکین در لیبیا سالیان درازی برای بقا و صحت کرنیل قضافی دعا کنند و آیا لازم است که مردم برای بقا و صحت بن علی در تونس، حسنی مبارک در مصر، آیت الله خمینی در ایران و امامعلی رحمانوف در تاجیکستان و غیره شاهان و سلاطین و یا رئیسان جمهور بیکاره و نا عادل و ستمگر دعا کنند؟؟

(۵) محمد اعرابی پاچا در زمان فرمانروایی اسمعیل خدیو در مصر سمت وزارت حربیه را داشت. او از طبّقیل فلاحین بود و در وقت شورش فلاحین جانب شورشیان را گرفت. ولی به اثر مداخله قوای برتانیه بطرفداری خدیو، مغلوب شده و از وطن هجرت نمود.

(۶) در اینجا شاید منظور و مقصد سید افغانی بطرف شخص خودش بوده باشد.

(۷) مقصد سید افغانی از شورش ۱۸۵۷م حتماً شورش بزرگ سپاه هندی است که نزدیک بود به سلطه انگلیس در هندوستان خاتمه دهد و در حقیقت این شورش آغاز قیام دسته جمعی و مسلحانه مردم علیه برتانیه به شمار میرود.



برای مطالب دیگر ولی احمد نوری روی عکس کلیک کنید